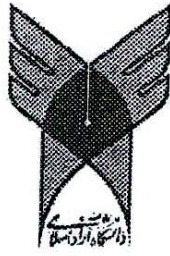


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان پژوهش و فناوری

به نام خدا مشور اخلاق پژوهش

بیاری از خداوند بجهان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظر بر اهمیت جایگاه دانشگاه و استلزامی فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشمندان و اصحاب بیات علمی و اندامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهش بد نظر قرار داده و از آن تعهد می کنیم:

- ۱- اصل برانست: التزام بر برانست چوینی از حرکت رقیب غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه های غیر علمی می آید.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و ارائه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشمندان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم نام و حرمت نام و انجام تحقیقات و رعایت جانب تعهد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام بر رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل واژداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان، دانشجویان و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت چوینی: تلاش در راستای پی چوینی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل ناکلیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۹- اصل منع علمی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن به پیشبرد توسعه کشور و کلیه مراحل پژوهش.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی ، گروه علوم اجتماعی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: ارتباطات اجتماعی

عنوان :

خاستگاه و موقعیت روشنفکر معاصر ایرانی و ارتباطات اجتماعی

استاد راهنما:

دکتر ناصر تکمیل همایون

استاد مشاور:

دکتر سید محمد دادگران

پژوهشگر:

فاطمه واشقانی

بهار ۱۳۷۶

تقدیم به:

به خدایم که کرامتم فرمود و به شرف یش تشریفم بخشید و یش از لیاقتم ارزانیم
داشت و اجازه داد من نیز کندم دانایی را اگر نه که بچشم لا اقل ببویم و خود داناست
تامی عشقم را تنها و تنها بر او ست که خالصانه نثار می کنم.

سنگر و قدردانی

همیشه می اندیشم که خانواده نزدیکتر هستند به انسان در دنیا و بر این باور بودم که چشم دنیا سیم را تولدم بود که کشود اما اینک دریافته ام که آدمی را چشم درونی نیز هست و آن تنها با خواندن و دانستن است که بازمی گردد و بی گمان در این میان بی یاری استادانم راه بدین جانی داشتم و چشمانم چنین گشوده نمی نگریست.

برایم عزیزترین عزیزانند چه نخواهند چه خواهند استاد را به نامیم رامی ستایم برای تمامی آنچه که بر من نخبیدند و نیز بار نمودند و برای تمامی آن صراحت برنده اشان حتی اگر دلنشین هم نبود استاد مشاورم را نیز به چنین خاطر تمامی مسامت و مناعتشان و تمام یاری که بی هیچ دریغی در اختیارم گذاشتند. مبالغه نخواهد بود اگر افتخار کنم که خوشترین خطاتم مایه اشان و سنگمیرایشان قاب گرفته شده است و آرزوی محال نخواهد بود اگر از خدایم طلب کنم تا هر آنچه نیکی و برکت و دنیا است برایشان بارانند و در رحمت خویش شستوشویشان دهد.

خدا کند بزرگواریشان بر اندک بضاعت من بخشاید.

از هر دو عزیزترین عزیزانم ساکسازم و تا، سم و هستند گرمی حضورشان را و حلالت و جودشان رامی طلبم.

پروردگارم در پناه خویش ابدیشان کناد.

تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **فاطمه واشقانی** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی **۷۳۲۵۴۳۱۰۴۶۵** در رشته **ارتباطات اجتماعی** که در تاریخ **۷۶/۳/۱۱** از پایان نامه خود تحت **عنوان خاستگاه و موقعیت روشنفکر معاصر ایرانی و ارتباطات اجتماعی** با کسب نمره **۱۹/۵۰** و درجه **عالی** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در موارد که دستاوردهای علمی و پژوهشیدیدگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام .

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه و موسسا آموزش عالی ارائه نشده است .

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی :

تاریخ و امضا

بسمه تعالی

در تاریخ: ۷۶/۳/۱۱

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم **فاطمه واشقانی** از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره **۱۹/۵۰** بحروف **نوزده و نیم** و با درجه **عالی** مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب:

صفحه

عنوان

پیشگفتار.....	۳
۲- طرح سوال و هدف.....	۴
۳- فرضیه ها و تعیین متغیرها.....	۶
۴- شیوه تحقیق.....	۶
۵- تعریف مفاهیم.....	۷
۶- دشواریها.....	۹
۷- جدول آغازیها.....	۱۰
فصل دوم: دوران برخورد های آغازین.....	۱۱
درآمد.....	۱۴
۱- آغاز نزدیکی و پیشگامان نوآوری.....	۲۲
الف- فتحعلیشاه.....	۲۴
اصلاحات عباس میرزا.....	۲۴
ب- محمدشاه.....	۲۶
پ- عنصر ناصری.....	۲۷
ترجمه ها و تالیفات.....	۲۷
وابستگی اقتصادی.....	۲۹
بازار.....	۳۰
اقشار اجتماعی.....	۳۱
جنبش فرهنگی.....	۳۳
الف- مطبوعات.....	۳۴
ب- مدارس و میسیونهای مذهبی.....	۳۵
۲- مشروطیت.....	۳۶
الف- سالهای پر آشوب.....	۳۶

۳۸	ب-فراماسونری
۳۸	ج-مطبوعات و گرایش به آلمان
۳۹	د-پیشرفت‌ها
۴۰	۳-عصر پهلوی
۴۰	الف-شروع نوسازی آمرانه
۴۴	حاصل سخن
۵۰	فصل سوم: تجلی اندیشه‌ها و بازتاب آن
۵۲	مقدمه
۵۳	۱-آغاز نوگرایی
۵۴	۲-روشنفکران و مردم
۵۶	۳-روشنفکران و غرب
۵۸	۴-اندیشه ایرانی متأثر از خارج
۵۹	۵-مهاجران ایرانی
۶۱	حاصل سخن
۶۳	فصل چهارم: نوگرایی
۶۵	مقدمه
۶۵	۱-سید جمال مظهر نوگرایی فکر دینی
۶۸	۲-نهضت فکری و تاثیر پذیری از عرب و عثمانی
۷۰	۳-تجدد و ادبیات
۷۱	الف-مطبوعات پیشرو کاوه
۷۶	۴-سالهای جنگ و پس از آن
۷۷	۵-تالیفات
۷۸	۶-ستیز با غرب
۷۹	حاصل سخن
۸۳	فصل پنجم: فرآیند نوگرایی
۸۵	مقدمه
۸۵	مرحله اول نوسازی

۸۷	الف-مراحل تجدد طلبی
۸۸	ب-روابط با غرب
۹۰	۲-ادوار نوسازی
۹۱	۳-نقش نخبگان
۹۲	الف-طبقه بندی نخبگان
۹۳	نخبگان نظامی
۹۴	نخبگان فرهنگی
۹۵	۴-واکنشها
۹۵	الف-واکنش آگاهانه نخبگان
۹۶	ب-واکنش مردم
۹۷	حاصل سخن
۹۹	فصل ششم:منورالفکران صدر مشروطه
۱۰۱	مقدمه
۱۰۱	۱-میرزا ملکم خان
۱۰۶	۲-میرافتحعلی آخوندزاده
۱۱۰	۳-میرزا آقاخان نوری
۱۱۲	۴-طالبوف تبریزی
۱۱۳	۵-مطبوعات بعنوان ابزار تجدد
۱۱۴	حاصل سخن
۱۱۸	فصل هفتم:تعاریف و روشنگری
۱۲۱	۱-انتلکتوئل
۱۲۳	۲-روشفکر
۱۲۳	۳-روشنگری
۱۲۳	الف-مغرب زمین
۱۲۴	ب-ادوار روشنفکری مغرب زمین
۱۲۵	پ-تفاوت روشفکر غربی با روشفکران ما
۱۲۵	۴-خصوصیات روشفکران دینی

۱۲۶	۵-ویژگیهای روشنفکران
۱۲۹	۶-روشنفکران و تحول جامعه
۱۳۰	۷-روشنفکران و مذهب
۱۳۳	۸-روشنفکران به چه کار می آیند
۱۳۴	۹-زادگاههای روشنفکری
۱۳۵	۱۰-علل عدم انطباق روشنفکران و جامعه
۱۳۹	۱۱-پاتوتهای روشنفکری
۱۴۲	حاصل سخن
۱۴۳	واما
۱۴۶	فهرست منابع

((جرئت دانستن داشته باش))

کانت ((از شعارهای عصر روشنفکری))

به خدایم که کرامتم فرمود و به
شرف بینش تشریفم بخشید و بیش از
لیاقتم ارزانیم داشت و اجازه داد من نیز
گندم دانایی را اگر نه که بچشم لااقل
ببویم و خود داناست تمامی عشقم را تنها
و تنها براوست که خالصانه نثار می کنم.

حسرت نبرم به خواب آن مرداب
کارام درون دشت شب خفته است
دریایم و نیست باکم از طوفان
دریا همه عمر خوابش آشفته است

شفیعی کدکنی

فصل اول

کلیات روش و مفاهیم

فصل اول: کلیات روش و مفاهیم

پیشگفتار

۱- طرح سوال و هدف

۲- فرضیه ها و تعیین متغیرها

۳- شیوه تحقیق

۴- تعریف مفاهیم

۵- دشواریها

۶- جدول

پیشگفتار:

رویای ایرانی سرفراز و پیشرو همواره در دل هر ایرانی دلسوز و وطن پرست هیجان و شور آفریده است ایران با تمامی تاریخ پرشور و شرش و با تمامی آن ایلغارها و کشتارها و با تمامی انقلابات و شورشها و با هر نابسامانی و بی کفایتی که بر آن رفته است تنها بخاطر تلاش یک مردمانش ایستاده است و این قیام تنها بدلیل هوشیاری ایرانیان است که اگر گاهی هم به رکوع تبدیل شده است اما هیچگاه به سجود ننشسته است و در این میان نقش دانشمندان این قوم نقشی آشکار و پر بار است، از همان آغاز تا دوران معاصر و اگر چه روشنفکر در خویشتن خویش چیزی بیش از هر دانشمند صرف و دانای حکیم دارد اما بی گمان اختصاص به عصری و نسلی اندیشه ای باطل است ایرانی با در آزموده شده است و این درد اگر چه که آموخته اوست اما راهبرش نیز برده است. روشنفکر این قوم اگر چه گاه راه به بیراهه بوده است اما درد این مردم و درد این خاک را در دل داشته است و چوب تکفیر بر همه ایشان زدن بی تردید اگر از غرض نباشد از سرجهل تواند بود.

مقال حاضر تنها اندکی است از آنچه باید و از آنچه که شاید همان اندک را هم نیست تنها شاید توانسته باشد پاسخی باشد برای نگارنده اش اگر چه که هر چه جستجو کرد کمتر یافت اما بهر حال خود دلیلی است بر گشتن و یافتن برای هر آنچه سوال بی پاسخ است اگر حتی تاریخ ما مستندات بسیار کمتر از ابهاماتش داشته باشد و اجبار وادارمان کنند تا به انتظار باز شدن اسناد در غرب باشیم. تاریخ مکتوبمان پر است از تاییدات و تکذیبات. تاریخ ما تحلیلگرانی می طلبد کارآموزده و دل درست و هر چند هر چه جستجو می کنیم کمتر می یابیم تفسیری خالی از غرض و یا حتی مرض.

در این میان تنها توانستم از عاشق شدنم برافراد و یا نفرت ورزیدنم بر ایشان جلوگیری کنم اما آنچه دریافتیم مویید این نظر بود که در سیر تاریخی ملت ما کم نبوده اند دلسوزانی که جان بر سر عقیده نهادند و هراسی به دل راه ندادند از هر آنچه اتهام و ناسزا و این ماییم که باید بخوانیم و دریابیم و قضاوت کنیم بی آنکه چشم بسته تن به قضاوت‌های از پیش تعیین شده دهیم و بیاموزیم که هر کس را با ابعاد زمان و مکانش و نیز ظرفیتهای وجودش بسنجیم چنانکه بوده اند و هستند نه چنانکه لزوماً باید باشند.

۱- طرح یک سوال و هدف تحقیق

طرح تحقیق از مدتها پیش ذهنم را بخود مشغول داشته بود همیشه برایم مهم بود که مگر نه اینکه روشنفکران و تحصیل کردگان این قوم داعیه طرفداری از آن و آزادی طلبی برای آن و پیشرفت در همه جوانبش را دارند اما چرا هیچ یک از این آرمانها چنانکه باید به سرانجامی نرسیدند و در همان مقدار هم که انجام شد مردم با ایشان همراهی نکردند؟ همیشه در جایی مردم پا پس کشیده اند و این در حالی است که شاید بتوان گفت بطور اعم هر جا که پا پیش گذاشته اند پشت سر رهبران مذهبی بوده است مگر می شود بر کسی یا قومی یا ملتی دل سوزاند اما آن قوم رهایت کنند و به هیچت انگارند و گاه از آن هم بدتر با برچسب اتهام برانندت و تنها یک سیاهی از نامت بر تاریخ گذارند؟ همیشه فکر کرده ام چرا روشنفکر ما نتوانسته است زبان مشترکی با عامه بیابد؟ کوتاهی از کدام سمت است مردم یا روشنفکران؟ آیا روحانیت در کشور ما بطور ارادی همیشه بعنوان مانعی میان مردم و روشنفکران عمل کرده است؟ و یا اگر روحانیت نبود روشنفکران می توانستند با مردم چنانکه باید رابطه برقرار کنند؟ و یا اصولاً چرا روحانیت همیشه توانسته است حتی با اشتباهاتی که داشته است در بطن مردم حضور داشته باشد؟ و این که آیا روشنفکران می توانستند چیزی جز آنچه بودند باشند اما نشدند؟ و این که آیا روشنفکران اصولاً تلاشی کرده اند برای نزدیکی با مردم؟ و این که روشنفکر جماعت چه اصراری داشته است برای نمایش آنچه که مردم را می رمانده است؟ و چرا روشنفکر ما همیشه نگاهی به غرب داشته است؟ کمتر توانسته قائم به ذات باشد و آیا این صرفاً

بدلیل تربیت او در فرنگ است و دیدن تمامی پیشرفتهایشان در مقابل تمامی عقب ماندگی ما یا این که به آنان ذره ذره آموخته اند چنین باشند؟ همه اینها آدمی را و می دارد تامل کند که چرا همیشه گویی دستی غیبی سعی دارد مردم را از ایشان جدا نماید و یا لاقلاً جدا نشان دهد و این اگر چه بیشتر بدلیل عملکرد خود ایشان است اما این که همه جا و همه وقت با چوب تفکیر رانده شده اند و حال در زمان حاضر نیز با انواع شماتتها و ناسزاها خفه می شوند مسلماً بی دلیل نخواهد بود.

در دسترسی به منابع تا آنجا که بررسی شد قریب به اکثر منابع موجود سعی در طرد و نفی روشنفکران دارند بخصوص اگر نویسندگانشان کمی هم مایه مذهبی داشته باشند شاید تنها در کتبی به تکذیب روشنفکران پرداخته نشده است که خود ایشان به نگارششان پرداخته اند و متأسفانه در این گونه کتابها هم روشنفکران و تحصیل کردگان خود پنبه همفکران و هم کیشان خود را زده اند. تنها اندکی در مباحث روشنفکران دینی است که غرض به چشم نمی خورد و مسائل با شفافیت بیشتری نمایان است که اینان خود نیز همیشه زیر تیغ اتهام سکولار بودن و یا عدم شناخت کافی نسبت به مسائل دینی قرار داشته اند. اگر معتقد باشیم که وجود روشنفکران یکی از ارکان اصلی موجودیت جامعه است و این اصل نظری را نیز پذیرفته باشیم که روشنفکر بی ابزار اعلام نمود خویش و بدون قدرت اجرایی توان لازم برای کشیدن جامعه نخواهد داشت آنگاه پی می بریم که بر این خاک چه قصوری رفته است و می رود. دکتر شریعتی می گوید: «آزادی تو مذهب من است» از همین یک سخن در می یابیم که چه سنگین است مسئولیت روشنفکر و چه طولانی و سخت است راهی که می رود. باشد که این پژوهش لاقلاً بتواند گوشه ای تاریک از این همه ابهام را بنماید که روشنفکر ما کجاست؟ از کجا آمده و به کجا می رود؟

۲- فرضیه ها:

مهمترین فرضیه های این پژوهش با توجه به هدف تحقیق بصورت زیر تنظیم شده است:

۱- روشنفکران و توده مردم در طول تاریخ کمتر به زبان مشترکی دسته یافته اند و بر رویهم از درک زبان یکدیگر عاجز بوده اند.

۲- وجود روحانیت گاه سدی بوده است مانع ایجاد همدمی و اتفاق میان مردم و روشنفکران .

۳- اگر چه روشنفکران خود برخاسته از میان مردمنده اما دلیل اصلی جدایی ایشان از مردم تربیت و تحصیل در کشورهای دیگر بوده است.

۴- عدم شناخت فرهنگ بومی و غربزدگی روشنفکران از مهمترین دلیل جدایی ایشان از مردم است.

۵- جدایی از مذهب و عدم رعایت شئون مذهبی یکی از عوامل مهم کناره گیری مردم از روشنفکران است.

تعیین متغیرها:

در تمامی فرضیه های بالا روشنفکر و جریان روشنفکری بعنوان متغیر مستقل و تمامی عناصر وابسته به آن از قبیل یافتن زبان مشترک با مردم، ایجاد مانع کردن روحانیت و نیز غربزدگی و عدم رعایت شئون مذهبی بعنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده است.

۳- شیوه تحقیق

در این پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده است و با توجه به امکان دستیابی به منابع و مدارک تا حد امکان سعی شده تا موضوع از جمیع جهات هر چند مختصر مورد بررسی قرار گیرد. اگر چه که تاریخ ما پر است از اظهارنظرهای شخصی و مغرضانه تا حد امکان از تایید و یا تکذیب اشخاص و جریانات خودداری شده است. البته طرح تحقیق از ابتدا نظر سنجی را نیز در بر می گرفت اما با توجه به موقعیت خاص زمانی و وجود مباحثی چون روشنفکر دینی، سکولاریسم و برجسبهایی چون